

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی ام از منظر آیت‌الله طالقانی (ره)

فرزین حبیب‌زاده*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۳۰ - تاریخ تأیید: ۹۹/۰۱/۲۶

چکیده

در حالی که جلوه‌های هنری و جنبه‌های آوایی قرآن کریم از همان آغاز نزول وحی توجه مردم عصر را به خود جلب کرده و ایشان تحت تأثیر ترنم موسیقایی و لحن منحصر به فرد آن قرار گرفتند، اما این موضوع جز در چند دهه اخیر که هم‌زمان با پیشرفت دانش زبان‌شناسی و آواشناسی همراه بوده است، محور مطالعات قرآنی قرار نگرفته و ابعاد و زوایای تاریک آن به نحو شایسته تبیین نشده است. نظم آهنگ قرآن، چه در سطح واژگان و حروف و چه در سطح جملات و آیات، امروزه در مباحث اعجاز بیانی و بلاغی قرآن مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد که هدف آن نمایاندن نظم و اسلوب بدیع قرآن در ارائه مفاهیم و آموزه‌های دینی و اسلامی است. موضوع نظم آهنگ و موسیقی قرآن که درباره چگونگی ارتباط لفظ و معنا در قرآن کریم بحث می‌کند، دارای ابعاد و زوایای وسیع و گسترده‌ای است که از لزوم توجه به این جنبه مهم قرآنی حکایت دارد. در همین راستا، مقاله حاضر با هدف بررسی و بازخوانی آراء و دیدگاه‌های آیت‌الله سید محمود طالقانی، راجع به جنبه‌های موسیقایی آیات و هماهنگی الحان و اوزان با معانی و مقاصد آیات قرآنی به نگارش درآمده است. مفسر در تفسیر پرتوی از قرآن، به خصوص در

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. Email: f.habibzadeh@alumni.ut.ac.ir



تفسیر سوره‌های مکی که اغلب در بخش پایانی قرآن قرار گرفته‌اند و حضور و اثر نظم‌آهنگ در آن‌ها مشهودتر از بخش‌های دیگر است، به بررسی و تحلیل نظم‌آهنگ آیات همت گماشته است. از جمله مباحثی که مفسر در بیان نظم‌آهنگ آیات و کلمات قرآن و همچنین چگونگی تطبیق الفاظ با معانی و مقاصد، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: بیان طول آیات، اشاره به آهنگ و ایقاع آیات و انواع آن، بیان لحن و اوزان آیات و انطباق و هماهنگی آن با معانی و مقاصد، نقش حرکات و حروف و مخارج آن در القای مفاهیم و معانی، ویژگی‌های فواصل قرآنی و هماهنگی آن‌ها با مضامین آیه و سوره، مقایسه سوره‌ها از منظر آهنگ و محتوا و نیز تقسیم و بیان آیات یک سوره از منظر نظم‌آهنگ.

واژگان کلیدی: نظم‌آهنگ؛ جنبه‌های آوایی؛ قرآن کریم؛ اعجاز بیانی؛ آیت‌الله طالقانی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و شگفت‌آورترین نکته‌ها در مورد قرآن کریم که خود نمونه‌ای از اعجاز این کتاب شریف است، کشف و رونمایی پیوسته و مداوم جنبه‌ها و ابعاد گوناگون اعجاز این کتاب الهی است که هنوز هم پس از چهارده قرن، با تفکر و تدبّر در آیات و سوره‌ها، شگفتی‌ها و خصوصیات اعجاب‌برانگیز آن، نمایان و مورد تصدیق و تأیید هر انسان منصف و آگاه است. قرآن کریم به‌عنوان کتابی جهان‌شمول و دارای امتیازات و ویژگی‌هایی متناسب با هر عصر و زمان است که الفاظ و معنای آن از چنان صلابت و شیوایی برخوردار است که هرکس به فراخور زمان و مکان از آن بهره‌کافی و وافی می‌برد.

موسیقی الفاظ و نظم‌آهنگ قرآن کریم به‌ویژه در سوره‌های کوتاه که فاصله‌های نزدیک به هم دارند، یکی از جنبه‌های مهم اعجاز موسیقایی این کتاب الهی است که اغلب در یک صدسال اخیر مورد بررسی و مذاقّه دانشمندان مسلمان و قرآن‌پژوهان غربی قرار گرفته است. مصطفی‌الرافعی درباره‌ی وجود موسیقی بی‌سابقه در قرآن می‌گوید: «هنگامی که قرآن نازل شد، در حروف و کلمات و جمله‌های آن موسیقی فنی دریافتند که پیش از آن به نظیر آن سابقه نداشتند و از اینجا راهی دیگر از اعجاز برای آن‌ها کشف شد.» (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۶۸) آیت‌الله معرفت نیز در مورد وجود نظم‌آهنگ در قرآن نوشته‌اند: «نظم‌آهنگ در آیه‌ها و فاصله‌ها، (یا چیزی شبیه به آن) در جای جای کلام قرآن آشکار است. دلیل سخن ما هم این است که اگر کلمه‌ای را که به شکلی خاص به کار رفته، به صورت قیاسی دیگر کلمه برگردانیم یا واژه‌ای را حذف یا پس و پیش کنی، در این نظم‌آهنگ اختلال به وجود می‌آید.» (معرفت، ۱۳۹۰: ۳۲۴)

پژوهشگران دیگری نیز به اعجاز موسیقایی قرآن اشاره کرده و در تبیین مباحث آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند. سید قطب نیز از جمله آن پژوهشگرانی است که به ویژگی موسیقایی قرآن اشاره کرده و جنبه‌های آوایی این کتاب را به تصویر کشیده است. ایشان در کتاب *التصویر الفنی فی القرآن* می‌گوید: «در قرآن یک نوع نواخت موسیقی هست که انواع فراوان و گوناگون دارد که پیوسته با جو خود قرآن هماهنگ است و در تعبیر و بیان، وظیفه‌ی اساسی خود را به خوبی انجام می‌دهد.» (سید قطب، ۱۳۵۹: ۱۴۷) همین نویسنده در جایی دیگر آورده است: «ملاحظه‌ی هماهنگی نواخت موسیقی در آیات و در فاصله‌های آیات و در همه جای قرآن به‌طور واضح و

آشکار از دور پیداست.» (سیدقطب، ۱۳۵۹: ۱۵۱) عبدالجلیل نیز در کتاب تاریخ ادبیات عرب، در مورد موسیقی قرآن و منشأ آن می‌نویسد: «کتاب مقدس قرآن، بیشتر در حوزه «موسیقی» واقع است تا در حوزه «تصویر». موسیقی قرآن زائیده وزن‌ها و قوافی موجود در آن است که در سور مدنی هم تا حدی به کار آمده است. باید توجه داشت که این وزن و قافیه از قواعد دقیقی پیروی نمی‌کنند. متون قرآنی شبیه‌اند به تسلسل اشعار آزاد و قافیه آن‌ها، بر حسب خویشاوندی اصوات به کار گرفته شده و غرض هرگز غنا و انبوهی قافیه نبوده است، بلکه غالباً هم‌نوائی دوردستی است که حاصل می‌آید.» (عبدالجلیل، ۱۳۹۳: ۹۰ و ۹۱) برخی نظیر عقیف عبدالفتاح نیز «جذبه موسیقی کلام» را یکی از امتیازات و اسلوب قرآن دانسته است. (حجازی، ۱۳۵۳: ۱۳۴ و ۱۴۲) تناسبات واج‌ها و واژه‌ها با مضمون و محتوای سوره‌ها و آیات، هماهنگی واژه‌ها با معنای مورد نظر گوینده و همچنین تکرار واج‌هایی خاص در مقاطعی که موضوعی مشخص را تداعی می‌کنند، چنان زیبایی و لطافتی در کلام ایجاد می‌کند که از دیرباز تا فراز هر خواننده‌ای را جذب این سخن اعجاب‌آور و الهی کرده است. با دقت در آیات بسیاری می‌توان گفت که میان ضرب‌آهنگ و موسیقی واژگان با معانی و مفاهیم موردنظر، هماهنگی و تناسبی تام حاکم است؛ به‌عنوان نمونه، آن‌گاه که در آیه‌ای خبر از قیامت و عذابی هولناک است، واج‌ها متناسب با آن موضوع قرآنی گزینش شده‌اند، مثل تکرار آوای «زاء» و «لام» در آیه نخست سوره زلزله «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» که اشاره به تکرار و بی‌دری لرزیدن زمین است^۱ و همین‌طور واژه‌ها و نحوه معماری و چینش کلمات نیز به تناسبات موضوعی، دارای ضرب‌آهنگ تند و هراس‌انگیز است. علاوه بر این‌ها، تشدیدها و تنوین‌های بی‌دری و برخورد کلمات آخر با یکدیگر در سوره فجر: «أَكَلًا لَمَّا - حُبًّا جَمًّا - دَكًّا دَكًّا - صَفًّا صَفًّا، جَوِي كَوْبِنْدَه و سِرزَنَش آمِيز و هراس‌انگیز را مجسم می‌کند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۵۵۶) سنگینی مخرج «طاء» در کلمه «قمطیراً» (انسان، ۱۰) نیز سنگینی روز بازپسین را اشعار می‌دارد.^۲ بنابراین هریک از کلمات قرآنی با ویژگی‌های حروف و حرکاتشان، حساب شده و با توجه به هدف و معنایی که آیه یا سوره دنبال می‌کند، انتخاب شده‌اند.

۱. مفسر پرتو در بیان نظم‌آهنگ سوره زلزله می‌نویسد: «آهنگ آیه اول با حروف قریب‌المخرج و مکرر «ذ-ز-ض» و

تکرار لام و صداهای حرکات بالا و پایین، لرزه‌های متنوع و بی‌دری را می‌نمایاند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۹۵)

۲. نک: بدوی، ۱۹۵۰: ۵۸، به نقل از: فراستخواه، ۱۳۷۶: ۱۷۲.

محمدتقی شریعتی در مقدمه تفسیر نوین می‌نویسد: «قرآن الفاظ و کلمات را از حیث دلالت کامل بر معنا، مقصود و تناسب آهنگ و خشونت یا نرمی حروف و هماهنگی با سایر الفاظ قبل و بعد جمله و سایر خصوصیات به‌طوری گلچین و انتخاب می‌کند که اگر لفظی را بردارید دیگر در تمام لغت عرب لفظ دیگری را نخواهید یافت که همان مزایا را داشته باشد.»^۱ رافعی نیز در اعجازالقرآن درباره نظم قرآن می‌آورد: «اساس نظم قرآن بر آن است که برای هر کدام از حرکات و حروف معنایی منظور نماید. محال است در او حرف یا کلمه زائد یافت شود و در آن حشو و یا اعتراض و نظایر آن راه یابد و همچون نظام تکوینی که هر موجودی برای غرضی ایجاد شده است، در قرآن نیز هر حرف و یا کلمه برای معنایی ترکیب شده، به‌طوری که اگر آن کلمه یا حرف برداشته شود، سستی و نارسایی کلام محسوس شده و یا اگر بخواهند به‌جای آن کلمه دیگری بگذارند، محال است چیزی جایگزین آن شود و به قامت آن معنا که در قرآن افاده شده است، راست و درست آید و این یکی از مهم‌ترین اسرار اعجاز قرآن است.» (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۷۳)

یکی از قرآن‌پژوهان و مفسران معاصر که به جنبه‌های موسیقایی آیات و هماهنگی الحان با معانی توجه شایانی نشان داده است و این موضوع از نوآوری‌های ایشان در مطالعات قرآنی به شمار می‌رود، آیت‌الله سید محمود طالقانی است. ایشان در تفسیر پرتوی از قرآن، به‌ویژه در بخش پایانی تفسیر سوره‌های جزء سی‌ام قرآن - که از نظر موسیقی واژگان و نظم آهنگ کلمات، قابل توجه است - به بیان و توضیح ارتباط آهنگ و آوا با معانی و مفاهیم به‌عنوان یک جنبه از اعجاز قرآن پرداخته است. پیش از وی، سید قطب، در دو اثر مشهور خود، تفسیر فی ظلال القرآن و کتاب التصوير الفنی فی القرآن الکریم^۲ جنبه‌های اعجاز موسیقایی و آهنگین آیات قرآن را مورد مطالعه و بررسی قرار داده بود. در کتب علوم قرآنی و اعجاز قرآن، از جمله جلد پنجم از کتاب التمهید آیت‌الله معرفت با عنوان «الإعجاز الیبانی» و کتاب اعجاز القرآن و البلاغۃ النبویه مصطفی صادق الرافعی که در دوره معاصر به نگارش درآمده‌اند نیز مطالعات علمی و محققانه‌ای در این موضوع انجام گرفته است. مطالعات قرآنی امین خولی در این زمینه و همچنین احمد احمد بدوی در اثر خود، من بلاغۃ القرآن، بکری شیخ امین در کتاب التعبير الفنی فی القرآن و مصطفی محمود در القرآن، محاوله لفهم عصری از نظر توجه به خصوصیات آوایی و معنایی آیات مفید و ارزشمند هستند.

۱. نک: شریعتی، ۱۳۴۶: ۵۰، به نقل از: فراستخواه، ۱۳۷۶: ۱۰۹.

۲. ایشان در کتاب مذکور، به دو مطلب «آهنگ قرآن» و «تصاویر قرآنی» اشاره کرده است. نک: خوش‌منش، ۱۳۷۷: ۷۷.

از آنجاکه این قبیل بحث‌ها در مورد قرآن، بی‌سابقه و مبین شکلی جدید از اعجاز قرآن است، در این نوشتار لازم دیده شد از جوانب و زوایای گوناگون آن سخن به میان آورده شود تا بدین وسیله فرصتی فراهم شود و مطالعات گسترده‌تری در این موضوع جدید قرآنی انجام بگیرد. پژوهش حاضر در صدد آن است که به بررسی و بازخوانی نظم‌آهنگ و جنبه‌های موسیقایی آیات و سوره‌های جزء سی‌ام در تفسیر آیت‌الله طالقانی بپردازد. مطالعه در کیفیت انطباق آهنگ کلمات و آیات با معانی و مقاصد گوینده و همچنین بررسی طول آیات و فواصل قرآنی، لحن و اوزان آیات سوره‌ها، از نوآوری‌های آیت‌الله طالقانی در مطالعات تفسیری و قرآن‌پژوهی در دوره معاصر است.

۱- تفسیر پرتوی از قرآن و ویژگی‌های جزء سی‌ام آن

این تفسیر از مهم‌ترین آثار آیت‌الله طالقانی است که شامل نکته‌ها و توضیحاتی از برخی سوره‌های نخست قرآن کریم و تمامی سوره‌های جزء پایانی قرآن کریم است. در جلد اول، سوره حمد تا آیه ۱۴۴ سوره بقره، در جلد دوم بقیه سوره بقره، در جلد سوم سوره آل عمران، در جلد چهارم جزء سی‌ام از ابتدا تا آخر سوره الطارق، در جلد پنجم بخش پایانی جزء سی‌ام و در آخرین جلد نیز ۲۲ آیه نخست سوره نساء تفسیر شده است. این تفسیر در سال ۱۳۵۰ توسط شرکت سهامی انتشار در تهران که طالقانی، خود یکی از بنیانگذاران آن بود، منتشر شده است. چاپ دیگر این تفسیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در تهران به چاپ رسیده است که شامل سه جلد و نیز دربردارنده مقدمه آیت‌الله طالقانی در آغاز جلد نخست است.

«از آغاز سوره مبارک نباء تا سوره ناس که جزء سی‌ام قرآن کریم را شکل داده‌اند، از ویژگی‌هایی خاصی برخوردارند که سبب تمایز آن‌ها با سوره‌های اجزای دیگر قرآن شده است. آیات سوره‌های جزء سی‌ام اغلب کوتاه هستند و دارای فاصله‌های نزدیک به هم. وقتی آیات کوتاه باشند، تأثیر فاصله‌ها یا مصوت‌های همگون در متن قدرتمند است؛ زیرا آن‌ها با توجه به مجاورتشان می‌توانند در حافظه کوتاه‌مدت خواننده یا شنونده طنین‌انداز شوند و معنا را با تأکید انتقال دهند؛ اما وقتی آیات بلند باشند تأثیر فاصله‌ها یا مصوت‌های همگون کمتر است؛ زیرا فاصله زیاد آن‌ها موجب محو آن‌ها در حافظه کوتاه‌مدت می‌شود.» (بلاطه، ۱۳۹۶: ۳ / ۳۱۱) این سوره‌ها که

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۷۱

اغلب مکی هستند و در آغاز نزول وحی نازل شده‌اند، از فصاحت و بلاغت بیشتری برخوردارند و از نظر آوا و آهنگ قابل توجه‌ترند. این نمایش اعجاب‌آور آغازین آیات نازلۀ قرآن بدان جهت بوده که مردم مکه، چون خود در بلاغت و فن سخنوری ید طولایی داشته‌اند، بیشتر از هرکس دیگر ظرافت‌ها و شگفتی‌های این آیات و سوره‌ها را دریافته و قدرت تأثیر کلام الهی را درک کرده بودند. به سبب همین ویژگی‌های منحصر به فرد جزء پایانی قرآن کریم است که شخصیتی نظیر مرحوم آیت‌الله طالقانی با توجه به محدودیت‌هایی که از نظر دسترسی به منابع و امثال آن‌ها داشت، تفسیر جزء سی‌ام قرآن را در اولویت کار قرار می‌دهد و بیشتر هم خود را صرف تفسیر این بخش از قرآن کریم می‌کند.

این بخش از تفسیر پرتوی از قرآن سوره‌هایی را در برگرفته است که به گفته خود مفسر «آیات این سوره‌ها کوتاه و فشرده و دارای پیوستگی و بلاغت خاصی است و آشنا شدن و فهمیدن مقاصد این سوره‌های کوچک چون مفتاح برای گشوده‌شدن درهای حقایق قرآن و ورود به سرای وسیع آن است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / مقدمه) آیت‌الله طالقانی با عنایت به این نکته که موسیقی و نظم آهنگ قرآن کریم در سوره‌های جزء سی‌ام مشهودتر و برجسته‌تر می‌نمایند، در پایان هر سوره از سوره‌های جزء سی‌ام، راجع به الحان و اوزان آیات و هماهنگی آن با معانی آیات قرآنی، مطالبی بدیع و بی‌سابقه ارائه کرده است. از آن‌جا که بحث و مطالعه علمی و فنی در این زمینه سابقه چندانی ندارد و اغلب در دوره معاصر هم‌زمان با پیشرفت دانش زبان‌شناسی و آواشناسی^۱ مورد توجه محققان و دانشمندان قرار گرفته است،^۲ نیاز به مطالعات گسترده‌ای در زمینه زبان‌شناسی، زیبایی‌شناسی کلام و مباحث بلاغی و موسیقایی دارد تا در جهت تکمیل و توجیه هرچه شایسته این بُعد از اعجاز قرآن بتوان با موفقیت بیشتری عمل کرد و به نتایج علمی و پربارتری دست یافت.

۱. نک: راستخواه، ۱۳۷۶: ۱۶۷.

۲. برخی محققان ضمن بیان این مطلب که از قدیم‌الایام به مسئله کلام و آهنگ و وزن کلمات قرآن و تأثیر آن در نفوس توجه شده، در مورد علت نپرداختن به این موضوع گفته‌اند: «این موضوع چندان مورد بحث قرار نگرفته است؛ زیرا می‌خواستند که خوانندگان قرآن به معانی بیشتر توجه کنند تا به هماهنگی کلمات و موسیقی آن؛ قرآن از جهت آهنگ‌ها مهم و ممتاز است و از این جهت معجزه است. حروف و هجای زبان عرب در قرآن به کیفیتی قرار گرفته که الحان و آوازهایی از آن‌ها به وجود می‌آید.»، نک: پورفرزب، ۱۳۸۱: ۴ و ۵.

۲- نظم آهنگ قرآن کریم

آنچه از بررسی و مطالعه در مباحث موسیقی و نظم آهنگ قرآنی انتظار می‌رود، بیان و ارائه این نکته اصلی، یعنی «نمایاندن ظرفیت‌های آهنگ و موسیقی حروف، کلمات و جمله‌ها در الفای معنای آیات قرآنی» است. نظم آهنگ قرآن کریم که عهده‌دار نمایاندن پیوند لفظ و معنای آیات است از آن دسته مطالعات قرآنی است که با دانش‌های گوناگونی از جمله زبانشناسی، آواشناسی، معناشناسی، زیبایی‌شناسی و بلاغت و تجوید ارتباط وثیقی دارد و در تحلیل‌های خود از آن دانش‌ها استمداد می‌جوید.

آیت‌الله معرفت ضمن طرح ابعاد اعجاز، «نظم آهنگ قرآن» را ذیل اعجاز بیانی مورد مطالعه قرار داده است و ویژگی‌های منحصر به فرد واژگان و نظم آن‌ها را به تفصیل مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است.^۱ یکی از پژوهشگران در معرفی نظم آهنگ و معادل‌ها و معنای آن چنین می‌نویسد: «مراد از نظم آهنگ، آهنگی است که از نظم و چینش حکیمانه و حساب‌شده حروف پدید می‌آید؛ چندان که سخن را شیوه‌ای شیوا و روان می‌بخشد و در مجالی که آوای حروف اجازه می‌دهد، با معنای سخن ارتباط و تعاملی هم‌افزا می‌یابد...» (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۱۸۶) «از نظم آهنگ به «آوامعنایی» معادل واژه فرانسوی «فونوسماتیک»، «واژآهنگ» و «متن آهنگ» نیز تعبیر می‌شود. نظم آهنگ از حساب و حکمت به کار رفته در ترکیب و تعبیر می‌گردد. واژآهنگ، از آهنگی که واژه‌ها پدید می‌آورند و متن آهنگ از آهنگی که در فضای متن طنین‌انداز است.» (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۱۸۶) نویسنده‌ای دیگر از تناسب میان لفظ و معنا به «ارتباط آوایی - معنایی (فونوسماتیک) در قرآن» یاد کرده است، با این توضیح که «متغیرهای فونوتیک، هجایی و آوایی با متغیرهای سماتیک و معنایی همراه و همپاست.» (فراستخواه، ۱۳۷۶: ۱۶۵) از نظم آهنگ به «اتلاف لفظ و معنا» نیز یاد می‌شود که یکی از مُحسِّنات معنوی در علم بدیع و بلاغت به شمار می‌رود و صاحب جواهرالبلاغه در توضیح آن می‌نویسد: «عبارت است از اینکه الفاظ، موافق و مناسب معانی باشد؛ مثلاً برای فخر الفاظ شیوا، و برای حماسه عبارت‌های تند و شدید، و برای غزل و مدح، کلمات ظریف و عبارت‌های نرم و لطیف انتخاب می‌شود.» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۶۶) «اتلاف یا تناسب لفظ و معنا، امری فطری است و تقریباً میان الفاظ و معانی همه زبان‌های

۱. نک: معرفت، ۱۳۹۰: ۳۲۱ و ۳۲۲.

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۷۳

دنیا وجود دارد،» (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۲۱۲) اما این ویژگی در مورد زبان قرآن از اهمیت بیشتری برخوردار است و به گفته مرحوم طالقانی، «این خصوصیت، نمونه‌ای از بلاغت اعجازی قرآن را به تصویر می‌کشد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۱۱۵۷/۳) علاوه بر این، «هماهنگی لفظ و معنا در واژه‌های قرآن، تبلوری اعجاب‌انگیز دارد. آهنگ واژه‌هایی که بهشت را تصویر می‌کند با آهنگ واژه‌هایی که خشم آتشناک جهنم را به تصویر می‌کشد دارای تفاوت بسیار است.»^۱ آیت‌الله معرفت مناسبت میان لفظ و معنا را در تقسیم‌بندی نظم آهنگ قرآن، در دو نوع نظم آهنگ درونی و نظم آهنگ بیرونی مورد بررسی قرار داده است و در مورد نوع دوم می‌نویسد: «نظم آهنگ درونی دستاورد جلالت تعبیر و ابهت بیان پدید آمده از مغز کلام و کُنه آن است؛ ... در نوع دوم، زیبایی لفظ و شکوهمندی معنا، پیوند ناگسستنی دارند و مؤانست میان این دو نوایی احساس‌انگیز پدید می‌آورد و نسیمی روح‌نواز را به وزیدن وامی‌دارد و درون آدمی را به خلیجان می‌نشانند.» (معرفت، ۱۳۹۰: ۳۲۹)

مبحث نظم آهنگ قرآنی به دنبال نوعی ارتباط و هماهنگی میان آوا و آهنگ با معانی و مقاصد قرآنی است، به نحوی که خود واژگان و حروف و مخارج آن فضای آیه و سوره را تداعی کند و به معانی رهنمون سازد. این مطلب از کلام بکری شیخ امین نیز در کتاب *التعبیر الفنی فی القرآن* دریافت می‌شود. ایشان در ذیل آیه «وَ اللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ...» (تکویر، ۱۷-۱۸) می‌نویسد: «نیازی برای مراجعه به کتب لغت نیست. آوای کلمات، معنای آن‌ها را به صورت محسوس و مجسم در تخیل تو ترسیم می‌کند.»^۲ همو در ذیل آیات ۷۲ سوره نساء، ۱۸ سوره قصص و ۱۳ سوره طور می‌آورد: «مخارج حروف و نوای موسیقی آن‌ها با تأثیر خیال‌انگیز خاصی، معنا و موضوع سخن را در آیات فوق مجسم می‌دارند.»^۲ طالقانی نیز مکرر به این ویژگی اشاره کرده‌اند و به عنوان نمونه در تفسیر سوره شمس آورده است: «این‌گونه ایقاعات و برخورد حروف و حرکات و سکون‌ها و طنین «فعلاها» جوی متموج و متحرک و متطور پدید می‌آورد که نمایاننده معانی آیات است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹۵/۳) همین مفسر در جایی دیگر، از نقش ملموس و مشهود ترتیب صداها و آهنگ‌ها در بیان معانی آیات یاد می‌کند و می‌نویسد: «بیش از معانی و حقایق بسیار بلندی که قرآن با ترتیب حروف و کلمات و آیات می‌نمایاند، صداها و آهنگ‌هایی که از برخورد حروف و حرکات و کوتاهی و بلندی آیات برمی‌آید، مشاعر

۱. نک: عرفان، ۱۴۱۱: ۵۴، به نقل از: خوش‌منش، ۱۳۷۷: ۸۱.

۲. نک: بکری، ۱۹۷۳: ۱۷۹، به نقل از: فراستخواه، ۱۳۷۶: ۱۷۲.

شنونده و خواننده را آنچنان جذب می‌نماید که معانی و مناظر متنوع برایش مشهود و ملموس است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۴۹۹)

۳- برخی اصطلاحات در تبیین و تحلیل نظم آهنگ آیات قرآن

مفسر تفسیر پرتوی از قرآن، در بیان و توضیح نظم آهنگ آیات و سوره‌های قرآنی از اصطلاحات بسیاری بهره برده است که برای درک ابعاد گوناگون آن و تحلیل‌های مفسر در این زمینه، قبل از هر چیز لازم است به توضیحی مختصر پیرامون هر یک از این اصطلاحات پرداخته شود. این اصطلاحات که اغلب در علم تجوید و نیز علم عروض و موسیقی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: لحن، ایقاع، وزن، بحر، مخرج، فاصله، سجع، قافیه و حرف روی.

«لحن در لغت به معنای کشیدن آواز در سرود (در خواندن قرآن و اذان)، تطویل در آنچه باید کوتاه ادا شود، و قصر (کوتاهی) در آنچه باید کشیده شود؛ ... آواز، نغمه، درنگ و شتاب در نغمات مختلف که از آن وزن یا ضرب پیدا شود؛ آهنگ سخن ... در اصطلاح زیباشناسی نواخت یا لحن به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که دانگ صدا در زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد.» (داد، ۱۳۹۲: ۴۱۳)

ایقاع که از آن به ضرب آهنگ و ریتم (Rhythme) نیز یاد می‌شود، «در لغت هماهنگ ساختن آوازه‌است و در اصطلاح زبان، ترتیب بی‌دربی بخش‌ها یا هجاهای بلند و کوتاه، یا ضعیف و قوی در یک مصراع و سطر از شعر یا نثر است. در شعر، ایقاع حاصل تکرار و ترتیب منظم الگوهای وزنی است اما در نثر ترتیب طبیعی سخن و روال معمول نحو، ضرب آهنگ را شکل می‌دهد. نویسندگان دقیق برای انتقال حالات عاطفی و القای مضامین خود به ضرب آهنگ و ایقاع سخن توجه خاصی دارند؛ برای مثال ضرب آهنگ تند در جملات یک متن می‌تواند بیانگر تحرک، بی‌قراری، هیجان و ناآرامی باشد، حال آنکه ضرب آهنگ آهسته، آرامش، سکون و متانت را القا می‌نماید.» (داد، ۱۳۹۲: ۶۵)

خواجه نصیر در تعریف وزن و تفاوت آن با ایقاع می‌نویسد: «وزن هیئتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار، که نفس از ادراک آن هیئت لذتی مخصوص باید که آن را در این موضع ذوق خوانند؛ و موضوع آن حرکات و سکانات اگر حروف باشد آن را شعر خوانند و الا آن را ایقاع خوانند.» (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۲) به عقیده دکتر خانلری نیز، وزن نوعی تناسب در اصوات است. تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی میان اجزای

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۷۵

متعدد؛ تناسب اگر در مکان واقع شود آن را قرینه خوانند و اگر در زمان واقع شود وزن خوانده می‌شود. (خانلری، ۱۳۵۴: ۱۴۷)

وزن و بحر را گاهی یکسان دانسته‌اند که معادل آن در زبان لاتین، «Meter» است. در تعریف و چگونگی ایجاد وزن، فراوان سخن گفته شده است. برخی گفته‌اند: «آهنگی را که از ترکیب و توالی منظم و مخصوصی از هجاها به وجود می‌آید وزن گویند.» (شمیسا، ۱۳۸۹: ۳۷) همین‌طور تنظیم ضرب آهنگ کلام در قطعات معین و منظم وزن را پدید می‌آورد. در فرهنگ اصطلاحات ادبی نیز آمده است: «چون هر حرکتی با ایقاع همراه است، اگر این ایقاع تحت ضابطه‌ای معین و در محدوده یک الگوی ثابت واقع شود اصوات تابع نظم می‌شود که حاصل آن وزن است.» (داد، ۱۳۹۲: ۵۱۸)

برخی محققان به دنبال پژوهش‌هایی که در زمینه زیبایی‌های آوایی قرآن انجام داده‌اند، به بررسی هماهنگی برخی آیات با اوزان عروضی پرداخته‌اند که این امر، بخشی از استعدادها و موسیقایی قرآن کریم را یادآور می‌شود. مهدی اخوان ثالث در مقاله‌ای با عنوان آیات موزون افتاده قرآن کریم، به این مطلب اشاره دارند که می‌توان مصرع‌هایی از بحور مختلف را از آیات استخراج کرد. ایشان به‌عنوان نمونه آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران، ۹۲) را یادآور شده و بیان می‌دارند که «این آیه به لحاظ وزنی با بحر رمل مثنی‌س سالم در عروض فارسی منطبق است.» (اخوان ثالث، ۱۳۵۲: ۱۴۷ و ۱۴۸)

مخرج اسم فاعل از ریشه خروج به معنای جای بیرون آمدن و محل خروج است. محل تلفظ هر حرف از حروف الفبا در کام و حلق است.^۱ در اصطلاح عبارت است از محل خروج حرف به گونه‌ای که موجب تشخیص و تمییز آن حرف از حروف دیگری باشد. دانشمندان علم تجوید و قرائت هفده مخرج برای حروف هجا ذکر کرده‌اند.^۲

فاصله دارای نقشی اساسی در آفرینش نظم آهنگ قرآن است و محققان نمونه‌های بسیاری از نقش فواصل آیات را در نظم آهنگ قرآن یادآور شده‌اند.^۳ سیوطی در نوع پنجاه و نهم کتاب الإیتقان در معرفی فاصله به این توضیح بسنده کرده است که، «فاصله، کلمه آخر آیه است مانند

۱. نک: معین، ۱۳۸۷: ذیل کلمه.

۲. نک: قمحاوی، ۱۳۸۸: ۷۵-۸۴.

۳. نک: خوش‌منش، ۱۳۸۱: ۵۰ و ۵۱.

قافیه شعر و قرینه سجع» (سیوطی، ۱۳۹۲: ۲ / ۳۰۷) رمانی، فواصل را کلماتی همانند در پایان عبارات می‌داند که معنا را نیز می‌رساند. به عقیده وی، فایده فواصل آن است که مقطع‌های کلام را بیان می‌کند، کلام را به همگونی می‌آراید و در آیات قرآن نظایر را آشکار می‌سازد.^۱

بنت‌الشاطی در بررسی فواصل قرآنی تأکید می‌کند که، اولاً آنچه نقش اول را در فواصل دارد، معناست و نه لفظ. یعنی فواصل قرآن صرفاً یک هماهنگی لفظی نیستند و بیشتر، نظم معنایی خاصی را نیز در لابه‌لای بندها و آهنگ‌ها برمی‌تابند و ثانیاً این فواصل سهل و آزاد و بی‌تکلف‌اند. به نظر وی فواصل قرآن، نه صرفاً امری لفظی بلکه هماهنگ با سیاق و دلالت معنایی سخن هستند و متناسب با معانی دگرگون می‌شوند.^۲

استاد رافعی نیز درباره خصوصیات منحصر به فرد فواصل قرآنی می‌نویسد: «فواصلی که در قرآن است، مخصوصاً آن‌هایی که به میم و نون با حرف مد ختم می‌شود، بر اهمیت آن می‌افزاید؛ و آن آیات که به این حروف منتهی نمی‌شود به حروفی دیگر که مناسب با سیاق سایر آیات است ختم می‌شود که دارای موقعیت و لطف مخصوصی است و این خود دلیل دیگر بر اعجاز قرآن است که از این راه (موسیقی) افکار را به خود متوجه می‌سازد.» (رافعی، ۱۳۶۰: ۱۶۹)

سجع عنوانی است که اغلب برای متون منثور به کار می‌رود، همان‌طور که قافیه برای کلام منظوم استفاده می‌شود. استاد هُمایی در تعریف سجع می‌نویسند: «سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها، در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند و جمع آن اسجاع است؛ به جای سجع در قرآن مجید به خصوص، فاصله و جمع آن را فواصل باید گفت.» (همایی، ۱۳۸۹: ۳۹)

هاشمی نیز در جواهرالبلاغه سجع را این چنین معرفی می‌کند: «السَّجْعُ هُوَ تَوَافُقُ فَاصِلَتَيْنِ فِي الْحَرْفِ الْأَخِيرِ مِنَ التَّثَرِّ وَأَحْسَنُ السَّجْعِ مَا تَسَاوَتْ فَقْرُهُ، ثُمَّ مَا طَالَتْ فَقْرَتُهُ الثَّانِيَةَ وَتُمَّ مَا طَالَتْ ثَالِثَتُهُ؛ سجع عبارت است از اینکه دو فاصله در نثر مسجع از نظر آخرشان با یکدیگر توافق داشته باشند و بهترین شکل سجع آن است که فقراتش با هم برابر باشند، مانند آیه: فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ وَ ظِلِّ مَّمْدُودٍ»^۳ (واقعاً، ۲۸-۳۰)

۱. نک: رمانی، ۱۳۸۲: ۹۷، به نقل از: بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۷۶ و نک: رمانی، ۱۳۸۲: ۶۵ و ۶۶.

۲. نک: بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۳۹، به نقل از: فراستخواه، ۱۳۷۶: ۱۴۰.

۳. نک: هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۹۳ و سیوطی، ۱۳۹۲: ۲ / ۳۳۰.

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۷۷

سبک سجع به‌طور ویژه از مختصات سوره‌های متقدم قرآن است. بنا به گفته مستنصر میر، «سجع عنصر مهمی از گنجینه شعری قرآن است که به‌ویژه در آیات کاملاً کوتاه سوره‌های مکی اولیه و میانه واقع شده است.» (میر، ۱۳۸۷: ۵۳) همین نویسنده درباره ویژگی آهنگین زبان قرآن و کاربرد سجع در آن می‌نویسد: «... زبان قرآن به‌دلیل ویژگی آهنگین‌اش بسیار ترنم‌پذیر است. سجع، اگرچه در سراسر قرآن یافت می‌شود، در بسیاری از سوره‌های مکی اولیه یا میانه که در آن‌ها آیات نسبتاً کوتاه به کلمات مسجع برجستگی می‌بخشد، چشمگیر است. در سوره تکویر آیات ۱ تا ۱۴ که در ابعادی تقریباً حماسی، تصویری از به پایان رسیدن جهان رسم می‌کند، به شعر بودن خیلی نزدیک است ... در قرآن سجع و همگونی مصوت‌ها تابع محتوای آن‌اند، درحالی‌که در سخنان پیشگوهای عرب، هیچ رابطه ضروری‌ای با محتوای پیشگویی ندارند.» (میر، ۱۳۸۷: ۴۸ و ۴۹)

گاهی عالمان و صاحب‌نظران، اصطلاح سجع را برای قرآن به‌کار برده‌اند، اما برخی علمای بلاغت و بیان به‌ویژه اشاعره، وجود سجع در قرآن کریم را انکار کرده و از آن به فواصل تعبیر نموده‌اند. باقلانی در اعجاز القرآن می‌نویسد: «در قرآن آنچه سجع پنداشته‌اند، ممکن است سخنی به شیوه سجع باشد، لیکن سجع نیست؛ زیرا در سجع، معنا تابع لفظ است در صورتی که در قرآن لفظ تابع معنا است.» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۱۶۷) خفاجی در سیر الفصاحه ضمن نقد و رد این مطلب که «فواصل قرآن را فاصله نامیده و سجع نگفته‌اند، زیرا بین سجع و فاصله تفاوت است؛ سجع آن است که معنا در آن تابع لفظ باشد، درحالی‌که در فواصل لفظ تابع معنا است»، بین فاصله و سجع تفاوتی قائل نشده و به رد دلایل و توجیهاش اشاعره (منکران وجود سجع در قرآن) پرداخته است.^۱ عایشه بنت الشاطی نیز ضمن نقد دیدگاه‌های ادبای گذشته در باب سجع و فاصله، با تقسیم فاصله به دو قسم تماثل و تقارب، به ارائه دیدگاهی دیگر درباره فاصله پرداخته که به نحوی به جدال در باب وجود یا عدم وجود سجع در قرآن خاتمه داده است.^۲

قافیه یا به فارسی «پساوند / پس‌آوند» مؤنث قافی در لغت به معنای از پی‌رونده و مشتق از قفو (قفا یقفو قفوا / قفوا) و «تاء» یا «های» آخر آن تخصیص اسم است. بنابراین این

۱. نک: خطیبی، ۱۳۸۶: ۱۶۶ و ۱۷۵.

۲. نک: بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۷۸ و ۲۷۹.

تعریف، چون قوافی بیت‌ها پیرو یکدیگرند و یکی بر اثر دیگر آید، به قافیه (به معنای تبعیت و پیروی) نامبردار شده‌اند. خواجه نصیر قافیه را تشابه اواخر ادوار می‌داند و می‌گوید، «مراد از تشابه اینجا اتحاد حروف خاتمه است با اختلاف کلمات مقاطع، یا آنچه در حکم مقاطع باشد در لفظ یا معنا.» (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۳) بهترین تعریف قافیه در زبان عربی را خلیل بن احمد ارائه داده است. به این ترتیب: «إِثْمَا مِنْ آخِرِ حَرْفِ فِي الْبَيْتِ الِى أَوَّلِ سَاكِنِ يَلِيهِ مَعَ بَا قَبْلَهُ»، یا به عبارتی: «آخر ساکنین فی البیت و ما بینهما و المتحرک قبلهما»؛ اما أخفش کلمه آخر بیت را قافیه دانسته: «إِثْمَا آخِرِ كَلِمَةٍ فِي الْبَيْتِ.» (بدیع یعقوب و عاصی، ۱۹۸۷: ذیل قافیه و وهبه و المهندس، ۱۹۸۴: ذیل قافیه)

«روى» به تشدید یاء، مشتق از روا و در عربی به معنای ریسمانی است که بدان بار بر شتر بندند. «همایی، ۱۳۸۹: ۱۶ و شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۴» «حرف روى آخرین حرف قسمت اصلی کلمه قافیه است مانند «ه» در ماه و راه و «ت» در بخت و رخت.» (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۰۲) به بیان استاد همایی نیز، «آخرین حرف اصلی قوافی و اسجاع را حرف روى می‌گویند.» (همایی، ۱۳۸۹: ۳۹)

یکی از نکته‌های مهم که در بررسی و تحلیل نظم آهنگ قرآنی در تفسیر پرتوی از قرآن نمود دارد، آشنایی و اطلاعات کافی مفسر از علم عروض و قافیه و اصطلاحات مرتبط با این دو علم است. از آنجاکه علم عروض و قافیه عهده‌دار بررسی آهنگ و موسیقی کلام و شعر است، تسلط به این دو علم در بررسی نظم آهنگ آیات قرآن و موسیقی واژگان برای محقق و مفسر، امری لازم و از ابزارهای کار مفسر است. مفسر پرتو با توجه به اطلاعات خود در علم عروض و قافیه، در بسیاری از سوره‌ها به بیان وزن آیات پرداخته است و در برخی موارد هم حرف روى را در آیات مشخص کرده است؛ به عنوان نمونه، در سوره زلزال می‌نویسد: «طول بیشتر آیات این سوره به تقریب یکسان است. از آیه اول با وزن شدید «مستفعل - فعلل - فعلا لها» آغاز شده و همی اوزان خفیف و کوتاه شده تا آیه ۶ که متضمن بیان تفضیلی است و طول بیشتری دارد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۹۵) در سوره عادیات نیز آمده است: «تا آیه ۵ با وزن و فواصل شدید و رزمی آمد (از وزن مستفعلات فعلا، شروع شده و به وزن مستفعل فعلا پایان یافته.)» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۷۰۵) در سوره بروج ضمن تعیین حرف روى، به ویژگی‌های آن پرداخته و می‌نویسد: «آیات پی‌درپی، کوتاه، یکسان، با وزن فعول (به ضم فاء) و روى‌های واو، دال به سرعت پیش می‌رود و روز موعود و شواهد و حوادث را می‌نمایند تا آیه ۲۱، اوزان

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۷۹

فعلیل و حرف ماقبل مکسور و رویی دال و گاه تغییر آن به قاف، کاف، طاء، از اوج و السماء و سوگندهای عام به حضيض تحقق گراییده است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۴۵۹)

لازم به یادآوری است که مرحوم طالقانی خود نیز در تفسیر پرتو، به تناسب موضوع به توضیح برخی اصطلاحات پیش گفته و وجه نامگذاری آن‌ها اشاره کرده است؛ مثلاً ذیل سوره قدر در معرفی و تسمیه فاصله‌های قرآن و تفاوت آن با سجع و قافیه می‌نویسد: «از این جهت اوزان آخر آیات «فواصل» نامیده شده تا با سجع‌های شعر مشتبه نشود. واژه سجع از «سجع الحمامة - آهنگ کبوتر» گرفته شده که یکنواخت، بی‌معنا و نامفهوم است و قافیه‌های شعری نیز در بیشتر شعرها، دارای معانی مبهم است که تابع قافیه هستند؛ ولی در آیات پیوسته اوزان و فواصل تابع و قالب معانی و مقاصد و نمایاننده آن‌ها است و هیچ‌گونه تکلف شعری یا نثر مسجع و سستی در آن‌ها نیست.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۷۶)

۴- روش مفسر در تحلیل و تبیین نظم آهنگ قرآن

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، مفسر پرتو، تمام سوره‌های جزء سی‌ام قرآن را از دیدگاه نظم آهنگ قرآن، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های زبان قرآن، مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به تناسب موضوع در هر سوره به جنبه‌های مختلف آن پرداخته است. در برخی سوره‌ها نظیر سوره عبس، فجر و علق به تفصیل راجع به الحان، اوزان و فواصل آیات و همچنین از حرکات و حروف و مخارج آن‌ها سخن گفته شده و در مقابل، در سوره‌هایی مانند سوره عصر، فیل، قریش و همزه، به‌صورتی مختصر به نظم آهنگ آیات و واژگان آن پرداخته شده است. آنچه نهایت دقت و باریک‌بینی مفسر را در تبیین و تحلیل نظم آهنگ آیات قرآن نشان می‌دهد، تقسیم آیات یک سوره به چند بخش مستقل و بیان ویژگی‌های هر بخش از منظر طول آیات، لحن و اوزان، فواصل و حروف و مخارج آن است. سوره مبارکه فجر از جمله سوره‌هایی است که لحن و وزن و طول آیات آن به‌صورتی منظم، حول ده محور مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

آیت‌الله طالقانی در تحلیل‌های خود از نظم آهنگ واژگان و آیات قرآن، اغلب به‌صورت یکنواخت عمل کرده و از روشی واحد پیروی نموده است. گاهی مفسر در برخی سوره‌ها از روش و اسلوب مزجی استفاده می‌کند، به این صورت که در توضیح و شرح نظم آهنگ کلمات

و آیات، عبارات و واژگان قرآنی را با متن فارسی خود می‌آمیزد تا به بهترین نحو، نظم‌آهنگ واژگان و آیات را به تصویر بکشد. این روش در زمینه بیان نظم‌آهنگ قرآن تا حدودی جدید و ابداعی به نظر می‌رسد و از باب نمونه، دو سوره از تفسیر پرتوی از قرآن ذکر می‌شود. در آیات پایانی سوره علق، در توصیف شخص طغیانگر آمده است: «... در این هنگام که طاعی با طغیانش به محاق می‌رود، جز صفت و نقش شوم و آموزنده ناصیه کاذبه از او در تاریخ نمی‌ماند در آخرین نفس چشم به سوری یاران و همکارانش برمی‌گرداند تا شاید به یاریش شتابند، فلیدعُ نادیه و در اطراف خود جز چهره‌های خشمناک مأموران رب اعلی را نمی‌نگرد سَدْعُ الزَّبَانِيَةِ. آخرین امیدش با صدایش و در سینه‌اش برای همیشه خاموش می‌شود. آنچه بر زبان‌ها و تاریخ از او می‌ماند همان کاذبه خاطئه است. او به سوی درکات دوزخ می‌رود. قائم به رسالت باید از راه و روش و تمایلات طاعی سرپیچی کند و راه درجات قرب را پیش گیرد و به نجات خلق قیام نماید: کَلَّا - لَا تَطْعُهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۶۲)

مفسر در سوره فلق نیز از این روش برای تحلیل نظم‌آهنگ بهره گرفته است: «... آن پرتو ربوبیتی که از گریبان «الفلق» می‌دمد - آن تاریکی ابهام‌انگیزی که از ما خَلَقَ روی آورد، آن «غاسق» نکره، که از کمین بیرون می‌آید و حمله‌ور می‌شود إذا وَقَب. آن دمنندگان شدید و ساحرانه النفثات، آن حاسد نکره، که سر برمی‌آورد و بی نقشه خود را می‌گیرد: إذا حسد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۷۸۴)

۴-۱- عجز انسان در فهم و بیان ویژگی‌های موسیقایی آیات و سُور قرآنی

علی‌رغم تحلیل‌های علمی و فنی مفسر پرتو در زمینه نظم‌آهنگ قرآن، گاه مفسر ذیل برخی سوره‌ها، ضمن بیان نظم‌آهنگ آن سوره، به عجز انسان در فهم و بیان ویژگی‌های موسیقایی آیات و سُور قرآنی اشاره کرده و این خصوصیات را نمونه‌ای از بلاغت اعجازی قرآن دانسته است؛ از باب نمونه، ذیل سوره کوثر آمده است: «معانی عالی و پیشگویی قاطع که در سه آیه کوتاه این سوره آمده و در آهنگ حروف و حرکات و کلمات خاص و متقارب و متقابل نمودار شده، نه می‌توان چنان‌که هست دریافت و نه وصف نمود و خود سرچشمه کوثر و نشانه کلام برتر و به عجز آوردن بشر است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۵۷۳) در سوره بینه نیز این چنین به این مطلب اشاره شده است: «شاید هر وزنی برای نمایاندن پیوستگی آیات باشد که با تأمل و

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۸۱

مقایسه، چگونگی اختلاف این فصول را می‌توان دریافت، ولی اسرار تنوع این الحان و اوزان را جز خداوندی که گوینده و سازنده آن‌ها است نمی‌دانند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۶۸۷) مفسر در جایی دیگر از ظرفیت محدود بشر در بیان ویژگی‌های قرآن سخن گفته و اظهار می‌دارد: «آنچه درباره نظم و جمال و ترکیب و آهنگ جذب آیات گفته شده و می‌شود، آن قدری است که می‌توان استشعار نمود و به تعبیر آورد اما بیش از این مانند جمال‌ها و ترکیبات تجلیات خلقت اثرش مشهود و توصیفش غیرمقدور است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۶۴۵)

۴-۲- ارتباط جنبه‌های معنوی و آسمانی نغمه‌ها و الحان قرآنی با تفکر و اندیشه آدمی آنچه در دیدگاه‌های مرحوم طالقانی در بیان نظم آهنگ آیات قرآن، توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، اشاره به جنبه‌های معنوی و آسمانی نغمه‌ها و الحان قرآنی و ارتباط آن‌ها با تفکر و اندیشه آدمی است. انسان هر قدر دل به نغمات و الحان آیات سپارد به همان اندازه معانی و حقایق درخشان بر دلش می‌تابد.^۱ این مفسر در سوره انفطار، انسان را به قرائت متناسب با لحن آیات دعوت کرده و می‌نویسد: «خواندن این سوره با قرائت و لحن متناسب و تفکر در آیات و حقایق آن جلوی دید ذهن را برای توجه به نهایت مسیر انسان و جهان باز می‌نماید و روح را به سوی فرا آمدن به مقامات عالی و همت را برای کوشش در عمل خیر و باقی برمی‌انگیزد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۳۷۰) همین نویسنده ذیل سوره نازعات نیز به ارتباط دل و اندیشه با الحان و اشارات قرآنی توجه نشان داده و می‌آورد: «اگر دل و اندیشه خود را انسان، از اوهام و خیالات و دریافت‌های کوتاه تهی کند، آن‌گاه به بیان و الحان و اشارات افروزنده و انگیزنده آیات این سوره سپارد، روح او را نخست از محیط محدود زمان و مکان برمی‌کند و به تماشای عینی حقایق و مبادی و آغاز و انجام خلقت سیر می‌دهد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۲۵۸ و ۱۲۵۹)

طالقانی درک آهنگ و الحان متناسب با معانی آیات را منوط به تسلیم دل و گوش به نغمه‌های آیات دانسته است و در تفسیر سوره عبس آورده است: «لحن و آهنگ هر جمله‌ای از آیات چنان متناسب با مطالب و معانی است که با هر تغییری در مطلب متغیر و متنوع می‌شود. این رمز اعجازی قرآن برای کسانی مشهود است که دلدار و دل‌داده‌اند و دست‌گاه گیرنده گوش و دریابنده دل را یکسره تسلیم نغمات آیات نمایند: «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى

۱. برخی از این ویژگی با عنوان «نقش نظم آهنگ قرآنی در امر تدبر در قرآن کریم» یاد کرده‌اند. نک: خوش‌منش، ۱۳۸۱: ۵۳.

السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ» (ق، ۳۷) با دل دادن به این نغمات آیات، معانی جذاب و حقایق درخشان آن سراسر شعور و مراکز ادراک را فرامی‌گیرد و نفس انسانی را از آلودگی‌ها و هواها، پاک و آن را درخشان می‌کند و در سایه رحمت و الطاف خداوند جایش می‌دهد و امیدوار و خورسندش می‌دارد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۳۰۳) در سوره غاشیه از این مطلب به این صورت یاد شده است که: «تفکر در آیات این سوره و دلدادن به نغمه‌های آن نفوس را از آلودگی‌ها پاک و عقول را به عالم قرب و رحمت پروردگار نزدیک و حساب را آسان می‌نماید.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۵۱۵)

۵- نظم آهنگ قرآن در تفسیر پرتوی از قرآن

پس از معرفی و شناخت مختصری از اصطلاحاتی که در بیان و توضیح نظم آهنگ آیات قرآن به کار گرفته می‌شود، نوبت به بررسی و مطالعه نظرات آیت الله طالقانی در باب نظم آهنگ آیات و کلمات قرآن و همچنین کیفیت انطباق و هماهنگی آن‌ها با معانی و مقاصد قرآنی می‌رسد. مفسر پرتو در آغاز تفسیر جزء سی‌ام، در ابتدای سوره نبأ مختصری راجع به آهنگ ترکیب کلمات و آیات قرآنی سخن گفته و تا حدودی زوایای این بحث بی‌سابقه در طول تاریخ تفسیر قرآن را روشن ساخته است. وی به این مطلب اشاره کرده‌اند که آنچه از دیرباز در طول تاریخ تفسیر مورد توجه و بحث نبوده و شاید به آسانی تحت ضبط و قواعد در نمی‌آید، بررسی انطباق آهنگ کلمات و آیات با معانی و مقاصد است.^۱ هدف مفسر از بیان مباحث مربوط به نظم آهنگ آیات قرآنی این است که نشان دهد «کلمات و ترکیب و حرکات و حروف آخر آن‌ها، با معانی، و معانی با واقعیات هماهنگ و مطابق است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۱۴۴) و همین‌طور آهنگ‌ها و الحان و قافیه‌های متنوع آیات، نمایاننده محیط و جو مطالب و مقاصد آن است.^۲

مفسر پرتو، ویژگی‌های موسیقایی و آهنگین سوره‌های جزء پایانی قرآن و نیز ارتباط آوا و آهنگ واژگان و آیات با معانی و مقاصد قرآنی را مستقلاً ذیل هر سوره، در چند محور مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند که در ادامه همین بخش، این موارد همراه با بیان نمونه‌های گوناگون از تفسیر آن آیات، مورد بررسی و بازخوانی قرار می‌گیرند.

۱. نک: طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۱۴۳.

۲. نک: طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۳۰۲.

۱-۵- انطباق اوزان و الحان کلمات و جمله‌های قرآنی با محتوا و معانی آیات

مفسر در بیان نظم آهنگ آیات، مکرر به تناسب اوزان کلمات و جمله‌های قرآنی با معانی و مقاصد آیات می‌پردازد که این مطلب در مورد شعر نیز مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است و محققان و ناقدان، به هماهنگی اوزان و بحور با اغراض و محتوای شعر اشاره کرده‌اند. «ارسطو، ابن‌سینا و خواجه‌نصیر طوسی از جمله کسانی هستند که تناسب وزن و مضمون را یادآور شده‌اند. ابن‌سینا می‌گوید: وزن‌هایی هست سبک و وزن‌هایی سنگین و موقر. هر یک از اوزان شعر دارای موسیقی و حالت خاصی است. از طرفی هر شعری بسته به محتوا و حالت عاطفیش، با وزن خاصی مطابقت دارد؛ به عبارت دیگر، شاعر از میان اوزان شعر، وزنی را که با محتوا و حالت انفعالی شعرش هماهنگ باشد، برمی‌گزیند ... به‌رحال محتوا و موضوع هر شعری با وزنی خاص سازگار است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۶۱ و ۷۶) برخی از اوزان و مفاهیم مناسب آن‌ها عبارت‌اند از: اوزان نرم و سنگین در معانی مرثیه، هجران، غم و حسرت، «اوزان ضربی و تند در معانی شورانگیز و پرجذبه، اوزان برهانی و جدلی مناسب معانی پند و اخلاق و حکمت، اوزان تند و کوتاه برای مفاهیم شاد، اوزان دلنشین و شیرین مناسب مضامین آرام‌بخش یا عاشقانه و وزن حماسی.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۴)

مفسر پرتو به این ویژگی مهم قرآن کریم که میان محتوا و اوزان هماهنگی برقرار است، توجه ویژه‌ای داشته و مثلاً در سوره قریش می‌نویسد: «این سوره پس از سوره فیل و هماهنگ با آن و با اوزان خفیف که نمایاننده حکایت و بیان نعمت است آمده و از آیه کوتاهی شروع شده و به طول نسبی که شرح نعمت است پایان یافته.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۷۴۲) مفسر در ذیل سوره بلد می‌نویسد: «آیه ششم با وزن فعل (با ضم فاء و الف اطلاق - لبدا) آمده هم‌آهنگ و متناسب با حکایت حال از رها نمودن مال و صرف آن است؛ این اوزان و حرکات، هماهنگی و توازنی وصف‌ناشدنی با معانی و جو این آیات دارد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۵۷۸)

۲-۵- تفاوت‌های الحان و اختلاف آهنگ آیات یک سوره با توجه به معانی و مقاصد آن نکته مهم دیگری که مفسر پرتو در نظم آهنگ قرآن به آن عنایت دارد، بیان تفاوت‌های الحان و اختلاف آهنگ آیات یک سوره با توجه به معانی و مقاصد آن است. از نظر زبان‌شناسان، آهنگ هم از حیث ساخت گفتار و هم به‌لحاظ تأثیر، بر معنا و منظور سخن اهمیت دارد. میان آهنگ و معنای کلام رابطه بسیار نزدیکی برقرار است؛ به همین جهت «زبان‌شناسان برای استخراج قواعد

حاکم بر رابطه بین آهنگ گفتار و معنا تلاش‌های بسیاری کرده‌اند. این گروه در تلاش برای استخراج این قواعد گاه الگوهای آهنگ گفتار را با غرض گوینده مرتبط دانسته‌اند. (داد، ۱۳۹۲: ۷) در این مورد می‌بینیم که مفسر پرتو، ده لحن و وزن در سوره فجر بیان می‌دارد، یا در سوره انفطار نیز ضمن بیان این مطلب که لحن و تعبیر آیات این سوره به هشت صورت آمده است؛ در ادامه به تفاوت لحن آیات این سوره (لحن شدید و لحن آرام) اشاره کرده و می‌نویسد: «آیه هفت و هشت با آهنگ شدید و سریع مراحل خلقت انسان را می‌نمایاند و از نظر می‌گذراند. از آیه نهم که با کلمه کَلَّا آغاز شده است، لحن آیات آرام و آهسته می‌شود تا شاید انسان را به فعل و انفعال‌های داخلی و نفسانی و ثبت و پایه‌گذاری اعمال در بنای سعادت و شقاوت متوجه گرداند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۳۶۹) مفسر از سوره مطفین نیز با این مطلب که آیات این سوره هماهنگ با مضامین از طول کوتاه و لحن خفیف شروع می‌شود و از طول متوسط می‌گذرد، یاد می‌کند و در ادامه می‌گوید: «بعضی آیات با موج شدیدتر: «كَلَّا أُنَّ»، شدید: «كَلَّا بَلَّ»، و شدید نسبی «أَنَّ» اوج و تحول می‌یابد و شدت مطلب و منظور را می‌نمایاند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۴۰۵)

گاهی به دلیل دربرگیری و احتوای دو یا چند موضوع و انتقال آن‌ها از موضوعی به موضوع دیگر به تناسب، «تغییر لحن و آهنگ در بخش‌های یک آیه» مشاهده می‌شود؛ به عنوان نمونه، «دو پاره آیه (وَ اِنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ)» (حاقه، ۱۶) از حیث تقابل حروف با هم قابل مقایسه‌اند. نیمه اول آیه، (ق) مشدّد و (م) کشیده، که صدای شکافته شدن آسمان عظیم را به گوش می‌رساند، ولی نیمه دوم، سست و خرد شدن این بنای عظیم را با استعمال مکرر حروف دارای رخوت، نشان می‌دهد. (خوش‌منش، ۱۳۷۹: ۵۵ و ۵۶)

۵-۳- حرکات کلمات قرآنی در القای مفاهیم و معانی موردنظر

طالقانی در تبیین و تحلیل نظم آهنگ و موسیقی آیات قرآن به تناسب میان حرکات واژگان با معانی و مقصود آیات توجه ویژه‌ای دارد و در ذیل بسیاری از آیات سُور جزء سی‌ام از بیان این خصوصیت برای نمایاندن نظم آهنگ قرآنی صرف نظر نکرده است. در این مورد، ایشان در سوره نبأ می‌نویسند: «النبأ العظیم مورد استفهام را توصیف می‌کند. آهنگ این جمله کوتاه که با حرکات فتحه پیش رفته ناگهان با حرکت کسره و میم بسته می‌شود، خود نمایاننده عظمت و سکوت در برابر موصوف ما (در عم عما) است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۱۴۴) همین مفسر، در ادامه ضمن آیه «وَ بَيَّنَّا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا» (نبأ، ۱۲) می‌آورد: «صدای فتحه باء بعد از واو

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۸۵

عطف، پس از آن طنین فتحه نون پیش از یاء ساکنه و اوج فتحه نون پیش از الف ساکنه، حرکت ارتفاعی تدریجی و متوالی را می‌نمایاند، و همچنین طنین حروف کلمات بعد نمودار توسعه بنا است که به کسره شین «شداداً» منتهی می‌شود.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/۱۱۵۵)

ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره فجر آمده است: «این آیات، با طول بیشتر و حرکات متوالی و متناوب فتحه و ضمه و کسره و تکرار حروف، محیط خشم و عذاب و به بند درآمدن دوزخیان را مجسم می‌کند و به تکرار اسم احد، هم‌وزن فعل منتهی می‌شود.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/۱۱۵۶) مفسر در سوره فتح نیز به روشنی به این ویژگی اشاره کرده و می‌نویسند: «صدای حروف و حرکات آیات این سوره، بازشدن این افق و پیوستگی نصر و فتح و امتداد حیات و ابدیت رسول خدا (ص) و دعوتش را می‌نمایاند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/۱۷۶۳)

در سوره تین به نقش حرکات در القای معانی چنین اشاره شده است: «در تعبیر و آهنگ طور سینین حرکات ضمه ماقبل واو و کسره‌ها و سکون‌های متوالی ارتفاع قلّه وحی و گسترش دامنه‌های آن گویا نمودار است. و همچنین است آهنگ حرکات زبرین و زیرین اسفل سافلین که درآمدن در سطح پایین و جای گرفتن در آن را می‌نمایاند.» تناسب میان حرکات و حروف با معانی، در سوره طارق چنین است: «حرکات کلمات و برخورد میان حرکات و آهنگی که از آن‌ها برمی‌خیزد، متناسب با اوج و حسیض معانی است و پیوسته متغیر می‌شود، چنان‌که تا آیه ۴، در حال اوج یا تساوی است و از آیه ۵، با کسره‌های متناوب و پی‌درپی و در میان، رو به حسیض می‌رود، گاه اوج می‌یابد، گاه به شدت می‌گراید.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/۱۴۷۵)

۵-۴- مخارج صوتی حروف و پایان آیات در پیدایش آهنگ و ایقاعات

علاوه بر حرکات حروف که نقش مهمی در پیدایش آهنگ قرآن دارد، مخارج صوتی حروف و پایان آیات و فواصل سوره‌ها نیز نقش مهمی در پیدایش آهنگ و ایقاعات خاص دارد. آیت‌الله طالقانی از نقش مخارج صوتی حروف در ایجاد نظم آهنگ آگاه بوده و تحلیل‌های فنی و علمی‌ای در این مورد ارائه داده‌اند؛ به‌عنوان مثال، ایشان در مورد فواصل و مخارج‌های حروف در سوره تکوین آورده است: «دو آیه اول، با تحرک و تموج شدید و فصول و اوزان «تفاعل و مفاعل» و آهنگ برخورد حروف آخر «ث ر- ب ر» هم‌انگیزنده و هم‌ادامه در غفلت و امور را می‌نمایاند و هم کوتاهی آن را که ناگهان سر از گور در می‌آورند، آیه ۶ که عبرت‌انگیز و جالب‌اندیشه است، کوتاه آمده و با

حرف میم که مخرج آن دو لب است - بسته شده، سپس آیات همی گسترده شده تا به منتهای طول نسبی و با مخرج میم، سوره به پایان رسیده است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۷۱۶ و ۱۷۱۷)

۵-۵- ویژگی‌های فواصل قرآنی و هماهنگی آن‌ها با مضامین آیه و سوره

مطلب دیگری که توسط طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن مطرح گردیده و مفسر، نمونه‌های فراوانی از آن را در تفسیر سوره‌های جزء سی‌ام بیان کرده است، دگرگونی فواصل آیات هماهنگ با معانی است. در دیار عرب، عایشه بنت الشاطیء به این مطلب تأکید نموده و نمونه‌های بسیاری را با ذکر آیات ارائه کرده است. مفسر پرتو در مورد هماهنگی و تناسب میان فواصل و معنی در سوره انشراح می‌نویسند: «طول آیات این سوره به تقریب، یکسان و متوسط، و دارای سه‌گونه لحن و فاصله است: تا آیه چهارم با فتحه و سکون‌های متوالی و فواصل «فعلل» و بی‌درآمدن کاف خطاب، فضایی از تشبیه و حکایت و لطف را متمثل می‌نماید. در آیه ۵ و ۶ ناگهان آهنگ تغییر یافته و با طنین انگیزنده «ان» و حرکات کلمات و ایقاعات مختلف و فاصله «فعلا» انگیزنده است و قانون و مسیر مختلف سخت زندگی و آسانی نهایی را می‌نمایاند. آهنگ آیه ۶ و ۷ به آیات قبل برمی‌گردد و با فاصله «أفعل» به صورت لحنی خفیف مانند آیات آخر و الضحی آمرانه آمده و سوره بسته شده است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۶۳۳)

۵-۶- مقایسه سوره‌ها و آیات یک سوره از منظر آهنگ و محتوا (نظم آهنگ)

ارتباط و هماهنگی برخی سوره‌ها از نظر آهنگ و موسیقی آیات، نکته قابل توجهی است که آیت‌الله طالقانی در بیان نظم آهنگ کلمات و آیات قرآنی به آن اهتمام داشته و رابطه میان دو سوره را از منظر آهنگ و معانی و مقاصد مورد تحلیل و تبیین قرار داده است؛ به‌عنوان نمونه در ذیل سوره طارق آورده است: «دو حرف آخر سه آیه آخر به یاء و دال ختم شده که هم‌قافیه با آیات تعظیم و تمدید و صفات سوره بروج است با اختلاف در وزن، که اشعار به نوعی ارتباط در معنا دارد.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۴۷۵) یا مثلاً در رابطه میان سوره فیل و قریش و لحن و وزن میان این دو سوره می‌نویسند: «شاید که فلیعبدوا، مورد تعلق لایلاف و فاء مشعر به شرط مقدر باشد؛ اگر خداوند را برای هیچ نعمت و حقی نمی‌پرستند، باید برای نعمت ایلاف و آثار آن بپرستند؛ بنا به این تعلق و ترکیب، این سوره جدای از سوره قبل است - چنان‌که برخی گفته‌اند - و فاصله بسم‌الله و اختلاف لحن و وزن آیات این دو سوره مؤید همین است. و تناسب و رابطه

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۸۷

معنوی این دو سوره دلیل کافی برای یک سوره بودن نیست، زیرا بیشتر آیات و سوره‌های قرآن در اهداف و مطالب کلی با هم ارتباط معنوی دارند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۷۴۱)

۵-۷- ارتباط طول آیات با معانی و مقاصد سُور

یکی از مباحثی که در تفسیر پرتو، در بررسی موسیقی آیات قرآنی به عنوان یکی از تناسبات آهنگین قرآن به آن اشاره شده است، «طول آیات» است که به صورتی منظم و بخش‌بخش به ویژه در سوره‌های طولانی‌تر جزء سی‌ام مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است. مفسر ذیل سوره لیل می‌نویسد: «آیات این سوره دارای طول یکسان و کوتاه است و گاه به تناسب معانی و تفصیل و اجمال به اندازه یک کلمه بیش و کم شده است.»؛ (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۶۰۸) یا در سوره طارق آمده است: «طول آیات این سوره کوتاه و متقارب است (آیه دو، هماهنگ با اندیشه و فاصله تحولی از الطارق به النجم الثاقب، با مد خاصی آمده است) بعضی آیات به تناسب مطالب قدری کشیده و آخرین آیه کشیده‌تر شده است.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۴۷۴)

طول آیات ارتباط استواری با معانی و مقاصد سوره دارد که آیت‌الله طالقانی به آن عنایت داشته و جنبه‌های گوناگون آن را مورد تجزیه و کنکاش قرار داده است. در سوره شمس آمده است: «بیشتر آیات این سوره، دارای طول متساوی است؛ و برخی آیات به تناسب تفریع و تفصیل و حکایت، طول بیشتری دارد: «فَأَلْهَمَهَا ... فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ... فَاكْذِبُوهَا فَعَقَّرُوها»؛ آیه ۱۴: «فَاكْذِبُوهَا فَعَقَّرُوها فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» با طول بیشتر و تفریع‌ها و فعل‌های متنوع و بی‌دری و حرکات متشابه، سرعت و جریان حوادث را به صورت‌های گوناگون و به هم پیوسته می‌نمایاند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: ۳/ ۱۵۹۵)

یکی از محققان در مورد طول آیات و ارتباط آن‌ها با نوع ضرب‌آهنگ آن می‌نویسد: «آیات قرآن طول‌های متفاوتی دارند ...؛ آیات یک سوره نمی‌توانند همچون کلام موزون، با پایه‌های عروضی وزن دقیق شعری ایجاد کنند. با وجود این، نثر متن قرآن ضرب‌آهنگی مخصوص به خود دارد که از یک سوره تا سوره دیگر و حتی درون یک سوره، به‌ویژه در سوره‌های طولانی متفاوت است.» (بلاطه، ۱۳۹۶: ۳/ ۳۱۲) «... در سطح عبارات حاوی زنجیره‌های کوتاه و بلند در یک سوره، آیات دارای طول‌های مختلف با قافیه‌ها و مصوت‌هایی همگون پشت سر هم قرار می‌گیرند و ضرب‌آهنگ‌های آن‌ها بسته به موضوعاتشان تفاوت دارند و بسته به حال و هوایشان برای ایجاد بیشترین تأثیر تغییر می‌یابند.» (بلاطه، ۱۳۹۶: ۳/ ۳۱۳)

سخن آخر

مطلب آخر اینکه، آیت الله طالقانی در بیان مباحث نظم‌آهنگ آیات و سوره‌ها، بین ۳ تا ۱۰ کلمه با عناوین «لغات، ترکیبات، اوزان اسمی و فعلی خاص سوره» یادآور شده‌اند، اما توضیحی راجع به این مطالب و علت انتخاب و گزینش آن‌ها ارائه نداده‌اند. به نظر می‌رسد که انتخاب کلماتی خاص در یک سوره به جنبه‌های مختلفی از نظم‌آهنگ آیات و کلمات اشاره دارد که مفسر با بیان این مطلب، جای مطالعه و بررسی را در این زمینه بازگذاشته‌اند و امید که با بررسی‌های دقیق‌تر و استقصایی جامع‌تر، به نکات ارزشمند و روشن‌تری در این موضوع دست یافت. پیش‌تر بیان شد که مفسر، خود نیز در مقدمه تفسیر جزء سی‌ام ابراز امیدواری کرده‌اند که: «کسانی که ذوق و آشنایی به این‌گونه فنون [نظم‌آهنگ قرآن] دارند، این بحث را هر چه بیشتر تکمیل کنند.» (طالقانی، ۱۳۸۹: مقدمه)

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل جلوه‌های هنری قرآن کریم، نظیر نظم‌آهنگ واژگان و آیات قرآنی، از جمله مطالعات قرآنی جدید به شمار می‌رود که در چند دهه اخیر، با عنایت به مفاهیم و آموزه‌های قرآنی به آن توجه نشان داده شده است. آیت‌الله طالقانی از جمله محدود مفسرانی است که در تفسیر گران‌قدر پرتوی از قرآن به جنبه‌های آوایی و هنری آیات قرآن عنایت داشته و در این زمینه از همگان خود پیشی گرفته است. این تفسیر از اولین تفاسیر فارسی است که مفسر آن، آیت‌الله طالقانی به موضوع آهنگ الفاظ قرآن کریم توجه نشان داده و به ارتباط میان لفظ و معنای آن اشاره کرده است.

طالقانی از ویژگی‌های موسیقایی و آهنگین سوره‌های جزء پایانی قرآن اطلاع کافی داشته و مکرر خواننده را به توجه و دریافت خاصی برای فهم بلاغت صوتی و آهنگی آیات قرآن دعوت می‌کند.^۱ ایشان به رابطه موسیقی آیات و سوره با مضامین و مفاهیم سخن عنایت تمام دارد و نهایت سعی خود را برای نمایاندن ارتباط آوا و آهنگ واژگان و آیات با معانی و مقاصد قرآنی به کار گرفته است. این مفسر، در بیان نظم‌آهنگ آیات و کلمات قرآن، مباحثی را مورد

۱. نک: طالقانی، ۱۳۸۹: ۱۶۷۶.

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۸۹

تجزیه و تحلیل قرار داده که در نوشتار حاضر همراه با بیان نمونه‌های گوناگون، مورد بررسی و بازخوانی قرار گرفت. این مطالب عبارت بودند از: طول آیات، آهنگ و ایقاع آیات و انواع آن، لحن و اوزان آیات و انطباق و هماهنگی آن با معانی و مقاصد، نقش حرکات، حروف و مخارج آن در القای معانی موردنظر، ویژگی‌های فواصل قرآنی و هماهنگی آن‌ها با مضامین آیه و سوره، مقایسه سوره‌ها از منظر آهنگ و محتوا و نیز تقسیم و بیان آیات یک سوره از منظر نظم آهنگ.

کتاب‌نامه

الف - کتب و مقالات

- احمد بدوی، احمد (۱۹۵۰)، من بلاغۃ القرآن، چاپ اول، قاهره: نهضة مصر.
- بکری، شیخ امین (۱۹۷۳)، التعبير الفني فی القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالشروق.
- بلاطه، عیسی (۱۳۹۲)، «ساختارهای ادبی قرآن»، دایرة المعارف قرآن، مترجم مهرداد عباسی، جلد ۳، چاپ اول، تهران: حکمت.
- بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۳۷۶)، اعجاز بیانی قرآن، مترجم حسین صابری، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورفرزب، ابراهیم (۱۳۸۱)، تجوید جامع (مفرده دوم)، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حجازی، فخرالدین (۱۳۵۳)، پژوهشی درباره قرآن و پیامبر، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- خانلری، پرویز (۱۳۵۴)، وزن شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- خطیبی، حسین (۱۳۸۶)، فن نثر در ادب پارسی، چاپ سوم، تهران: زوار.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۷۷)، «جستارهایی در زمینه نظم آهنگ قرآن کریم»، بینات، دوره پنجم، شماره ۱۹، صص ۷۵-۹۲.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۷۹)، «جستارهایی در زمینه نظم آهنگ قرآن کریم (۲)»، بینات، دوره هفتم، شماره ۲۵، صص ۳۶-۵۹.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۱)، «جستاری در نظم آهنگ قرآن کریم»، بینات، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۴۸-۶۹.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم»، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره شانزدهم، شماره ۳۰، صص ۱۸۵-۲۱۵.

بررسی و بازخوانی نظم آهنگ سوره‌های جزء سی‌ام ... / حبیب‌زاده ۹۱

- داد، سیما (۱۳۹۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ ششم، تهران: مروارید.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۶۰)، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، چاپ اول، تهران: بنیاد قرآن.
- رمّانی، علی بن عیسی (۱۳۸۲)، نکته‌ها در اعجاز قرآن کریم، مقدمه و ترجمه و تعلیقات: منصور پهلوان، چاپ اول، تهران: نیا.
- رمّانی، علی بن عیسی (۱۹۷۶)، النکت فی اعجاز القرآن، المحقق: محمد خلف الله، د. محمد زغلول سلام، الطبعة الثالثة، قاهره: دارالمعارف.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۳۹۲)، الانتقان فی علوم القرآن، مترجم مهدی حائری قزوینی، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد ۲، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین (۱۳۸۵)، شناخت شعر، عروض و قافیه، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه نشر هما.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۶)، تفسیر نوین، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، آشنایی با عروض و قافیه، چاپ سوم، تهران: میترا.
- شهیدی، جعفر و محمدرضا حکیمی (۱۳۵۲)، یادنامه علامه امینی، چاپ اول، قم: مؤسسه انتشارات رسالت.
- طالقانی، محمود (۱۳۸۹)، پرتوی از قرآن، جلد ۳، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- طالقانی، محمود (۱۳۸۹)، مجموعه آثار (۲)، به کوشش موسی فقیه حقانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد (۱۳۶۹)، معیارالاشعار، با تصحیح و اهتمام جلیل تجلیل، چاپ اول، تهران: جامی و ناهید.

- عبدالجلیل، ژان محمد (۱۳۹۳)، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذرنوش، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- عرفان، حسن (۱۴۱۱)، پژوهشی در شیوه‌های اعجاز قرآن کریم، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره).
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶)، زبان قرآن، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قطب، سید (۱۳۵۹)، تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمدعلی عابدی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر انقلاب.
- قمحاوی، محمدصادق (۱۳۸۸)، تجوید قرآن کریم، ترجمه محمدباقر حجتی، چاپ سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۰)، علوم قرآنی، چاپ دوازدهم، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- میر، مستنصر (۱۳۸۷)، ادبیات قرآن (مجموعه مقالات)، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۶)، وزن و قافیة شعر فارسی، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وهبه، مجدی و کامل المهندس، (۱۹۸۴)، معجم المصطلحات العربية فی اللغة و الأدب، الطبعة الثانية، بیروت: مكتبة لبنان.
- هاشمی، احمد (۱۳۹۰)، جواهر البلاغة، ترجمه محمود خورسندی و حمید مسجدرایی، چاپ سوم، قم: پیام نوآور.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ اول، تهران: اهورا.
- یعقوب، امیل بدیع و میثال عاصی (۱۹۸۷)، المعجم المفصل فی اللغة و الأدب، الطبعة الأولى، بیروت: دار العلم للملایین.